سه شنبه ۲۵ آذر ۱۴۰۴ ■ شماره ۲۱۹۴۱ ■ ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷ ■ ۱۶ دسامبر ۲۰۲۵

مشهد		تهران	
اذان ظهر:	۱۱:۲۷	اذان ظهر:	۱۲:۰۰
غروب آفتاب:	۱۶:۱۸	غروب آفتاب:	۱۶:۵۳
اذان مغرب:	۱۶:۳۹	اذان مغرب:	۱۷:۱۳
نیمه شب:	۲۲:۴۲	نیمه شب:	۲۳:۱۵
اذان صبح فردا:	۰۵:۰۶	اذان صبح فردا:	۰۵:۳۸
طلوع آفتاب فردا:	۰۶:۳۷	طلوع آفتاب فردا:	۰۷:۰۸

امام علی علیه السلام می فرمایند:

إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدَثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ.

قلب نوجوان همچون زمینی بایر است که هرچه در آن بپراکنند، می‌پذیرد.

[وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۷۸]

روزنامه خراسان رتبه ۵ نشریات کشوری

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان
مدیرعامل: رضا غیاث آبادی
مدیرمسئول و سردبیر: حامد رحیم پور
دفترمرکزی: مشهد، بلوارشهید صادقی(سازمان آب)
کدپستی: ۹۱۸۵۸۹۵۹۷۱
تلفن: ۳۷۰۰۹۰۰۰ ۰۵۱
نمابردبیرخانه: ۳۷۶۲۴۳۹۵ ۰۵۱
پذیرش‌آگهی: ۳۷۰۱۰ ۰۵۱

روابط‌عمومی: ۳۷۰۰۹۱۱۱ ۰۵۱
پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹
نمابرجوابیه‌ها: ۳۷۶۵۷۷۷۲ ۰۵۱
نمابرآگهی‌ها: ۳۷۶۱۲۰۳۵ ۰۵۱
تلفن امورمشترکین: ۳۷۰۰۹۷۷۷ ۰۵۱
دفتر تهران: خیابان توانیر، خیابان نظامی گنجوی کوچه تاردان، پلاک ۲۳
تلفن‌وفاکس دفتر تهران: ۸۸۸۷۱۳۰۹ ۰۲۱

www.khorasanonlin.ir
e-mail:info@khorasannews.com
آیین‌نامه اخلاق حرفه‌ای روزنامه خراسان را در سایت بخوانید

سامانه ثبت آگهی آنلاین خراسان: www.khorasanet.ir

چاپ‌مشهد: شهرچاپ‌خراسان | **چاپ‌تهران:** چاپخانه جام جم برتر برنا

روزنامه صبح ایران
خراسان
WWW.KHORASANONLIN.IR

24112007024200001

تازه های مطبوعات

شرق- تله محبوبیت وضعیتی است که در آن فرد، رسانه یا سیاستمدار برای کسب تأیید فوری، لایک و دیده‌شدن، اندیشه و تصمیم خود را با انتظارات لحظه‌ای افکار عمومی و الگوریتم‌های فضای مجازی تطبیق می‌دهد و به‌تدریج عمق و عقلانیت بلندمدت را قربانی محبوبیت کوتاه‌مدت می‌کند. با این منطق، پرهزینه کردن موضع میانی به ضرورتی ساختاری بدل می‌شود. سیاستی که از معنا تهی می‌شود، ناگزیر به هویت پناه می‌برد و هویتی که بقایش به محبوبیت لحظه‌ای گره خورده، راهی جز بازتولید دوقطبی ندارد.»

فرهیختگان- اظهارات ضد دموکراسی ترو‌ئیکا، کاخ سفید و کارگزارشان، رافائل گروسی پایان ندارد و برای نشستن بر کرسی دبیرکل سازمان ملل، نیازمند چنین خوش‌خدمتی‌هایی است. پس از درگذشت یوکیا آمانو، رئیس فقید آژانس کورنل فروتا، معاون آمانو- با توجه به سوابق فنی و اجرایی قوی- بیشترین شانس را داشت؛ اما لابی سیاسی گسترده و همسویی عملی با مواضع واشنگتن و اروپا، گروسی را در وضعیت بهتری قرار داد. او به غرب اطمینان داده بود که آژانس را «فعال‌تر، سخت‌گیرانه‌تر و سیاسی‌تر از دوره آمانو» اداره خواهد کرد. همین شد که گروسی پیروز شد و از سال ۲۰۱۹ به کرسی مدیرکلی آژانس تکیه زد.»

اطلاعات- ادعای محوری سند جدید دولت آمریکا آن است که دولت‌های پیشین آمریکا و مسئولان اداره کشور، «نمی‌فهمیدند و ما می‌فهمیم». در این سند، اروپا ناتوان است؛ ایران ضعیف معرفی شده است؛ چین در عین قدرت‌یابی، قابل مدیریت معرفی شده است و درباره سایر مناطق دیگر دنیا هم ادعاهایی شده که بعضاً با واقعیت فاصله زیاد دارد. در کنار این ادعاها، نمی‌توان با توجه به رفتار ترامپ در صحنه عمل و اقدام، او را سندگرا دانست. روان‌شناسی ترامپ، عدم‌پایبندی او را روشن می‌سازد. چارچوبی جز منفعت فردی، نه منفعت آمریکا، برای او مطرح نیست.»

انعکاس

خبرآنلاین خبر داد: علی اکبر ولایتی مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل در دیدار «گریگور ها کوپیان» سفیر ارمنستان گفت: طرح موسوم به ترامپ درباره قفقاز هیچ تفاوتی با «دالان زنگزور» ندارد و جمهوری اسلامی ایران به طور قطع با آن مخالف است.

تابناک نوشت: سرلشکر رحیم صفوی دستیار و مشاور عالی فرمانده معظم کل قوا گفت: آمریکایی ها نمی‌توانند روابط اقتصادی ایران را کنترل کنند. ۱۵ کشور همسایه داریم و اگر روابط خود را با این کشورها تقویت کنیم تحریم آمریکایی ها نمی‌تواند اثر داشته باشد.

جماران نوشت: فرشاد مومنی، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی گفت: این شیوه مطرح کردن مسائل که با کمال تأسف القاکننده سطوحی از عجز، استیصال و بی‌برنامگی است، به جای این که به مردم روحیه دهد، آن‌ها را نگران‌تر می‌کند.

انتخاب نوشت: محمدرضا ضایزدان پرست خواهرزاده و داماد امام موسی صدر مدعی شد: ما فکت قطعی داریم مبنی بر دیده‌شدن امام موسی صدر در هتلی در لیبی. عبدالجلیل، اولین نخست‌وزیر انقلاب لیبی، به آقای صالحی، وزیر خارجه وقت ایران، گفته بود امام در طرابلس است و رابط ما می‌داند کجاست. وقتی طرابلس سقوط کرد، ایشان را هدیه می‌کنیم به شما. مناطق گسترده‌ای در لیبی وجود دارد که باید جست‌وجو شود. ۱۲۰ عشیره در لیبی هستند که همه امتیازاتی گرفته‌اند برای روز مذاکره ملی و تقسیم امتیاز. بخشی از این قبایل و عشیره‌ها، دست‌نشانده‌های هنوز وفادار به معمر قذافی هستند.

آوش نوشت: مدیرکل دفتر رئیس جمهور در توضیح ویدئوی منتشرشده از دختر و داماد پزشکیان در قزاقستان نوشت: حواشی زرد نیازی به پاسخگویی ندارد ولی جهت این که بدانید رفتار مدعیان چقدر سخیف و زشت است عرض می‌کنم؛ خانم زهرا پزشکیان به دعوت ریاست جمهوری قزاقستان از چند مرکز فرهنگی در شهر آستانه بازدید کرد و این بازدیدها امری معمول در سفرهای دیپلماتیک است.

زمان‌بندی انتصاب فرمانده جدید پدافند کشور، این تصمیم را به یک رویداد معنادار در سطح دکترین نظامی و پیام امنیتی تبدیل می‌کند

خون تازه در رگ های پدافند

جعفر یوسفی
Political@khorasannews.com

انتصاب امیر سرتیپ علیرضا الهامی به فرماندهی همزمان «قرارگاه مشترک پدافند هوایی خاتم‌الانبیا(ص)» و «نیروی پدافند هوایی ارتش»، در ظاهر یک جابه‌جایی معمول در سلسله‌مراتب فرماندهی نیروهای مسلح به نظر می‌رسد اما زمان‌بندی این تصمیم، آن را به یک رویداد معنادار در سطح دکترین نظامی و پیام امنیتی تبدیل می‌کند. این انتصاب، نه بلافاصله پس از جنگ ۱۲ روزه رخ داده و نه با تأخیر و نادیده گرفتن اتفاقات جنگ، بلکه دقیقاً پس از یک دوره جمع‌بندی، ارزیابی و بازخوانی تجربه جنگی صورت گرفته است. همین فاصله زمانی، نخستین کلید فهم پیام آن است.

جنگ ۱۲ روزه، بیش از هر چیز نشان داد که میدان اصلی نبرد آینده، دیگر صرفاً زمین یا حتی دریا نیست، بلکه آسمان، داده، سرعت تصمیم و هماهنگی لحظه‌ای است. در چنین شرایطی، پدافند هوایی دیگر صرفاً نقش یک سپر دفاعی را ایفا نمی‌کند، بلکه به بخشی از زنجیره بازدارندگی فعال تبدیل می‌شود. زنجیره‌ای که اگر درست عمل کند، جنگ آغاز نمی‌شود و اگر خطا کند، هزینه زیادی روی دست کشور خواهد گذاشت. از همین منظر، تغییر در رأس پدافند، به‌ندرت یک تصمیم عادی تفسیر می‌شود. نکته مهم، فاصله شش ماهه این انتصاب با پایان جنگ است. تغییر فرماندهی بلافاصله پس از یک اتفاق، معمولاً نشانه واکنش به شکست یا بحران تلقی می‌شود، در حالی که تأخیر طولانی نیز می‌تواند نشانه تردید یا تعلیق تصمیم باشد. این بار اما با یک الگوی متفاوت مواجه هستیم، تصمیمی که پس از تحلیل داده‌های میدانی، بررسی عملکرد سامانه‌ها، ارزیابی هماهنگی بین نیروها و بازنگری در دستور العمل‌های عملیاتی اتخاذ شده است. به بیان دیگر، این انتصاب بیشتر از جنس طراحی برای آینده است تا ترمیم نقاط ضعف گذشته، هرچند اصلاح و بهینه‌سازی نقاط آسیب‌پذیر نیز به‌طور ضمنی در دل این بازآرایی راهبردی مستتر است.

همزمانی فرماندهی قرارگاه مشترک پدافند هوایی و نیروی پدافند هوایی ارتش نیز بیانگر یک جهت‌گیری جدید در سطح کلان است: اولویت مطلق با وحدت فرماندهی در لحظه بحران. تجربه جنگ‌های اخیر نشان داده است که حتی پیشرفته‌ترین سامانه‌ها، اگر در یک زنجیره تصمیم‌گیری واحد عمل نکنند، کارایی خود را از دست می‌دهند. واگذاری این دو مسئولیت کلیدی به یک فرمانده، به معنای کاهش اصطکاک تصمیم، افزایش سرعت واکنش و حرکت به سمت الگوی فرماندهی واحد با نیروهای چندگانه است، الگویی که در دکترین‌های مدرن دفاع هوایی جایگاه محوری دارد. در سطح پیام امنیتی، این انتصاب بیش از آن که متوجه افکار عمومی باشد، خطاب به بازیگران بیرونی است. پدافند ایران پس از جنگ، با آزمونی بزرگ روبه‌رو شد که آنالیزی دقیق از توانمندی‌ها و نقاط ضعف را برای تصمیم‌گیران نظامی ارائه داد. نقاط ضعف شناسایی شده و تغییرات بر اساس تجربه واقعی میدان نبرد انجام می‌شود، نه سناریوهای کاغذی یا رزمایش‌های نمایشی. برای دشمن، این یعنی هرگونه محاسبه آینده باید بر مبنای پدافندی صورت گیرد که از فاز آزمایش عبور کرده است. در داخل نیروهای مسلح نیز پیام کم‌اهمیتی مخابره نمی‌شود. پدافند، خط آخر امنیت ملی است، جایی که خطاهای کوچک، پیامدهای بزرگ دارند. این انتصاب نشان می‌دهد که در پدافند هوایی، صرف برخورداری از سامانه‌های پیشرفته کافی نیست و از این پس، کیفیت فرماندهی و تصمیم‌گیری در بالاترین سطح، شرط تاثیرگذاری در کارآمدی تلقی می‌شود. آنچه در این انتصاب برجسته است، عبور پدافند هوایی ایران از فاز دفاع واکنشی به سمت بازدارندگی هوشمند است. این تحول، به‌ویژه در شرایطی که گمانه‌هایی درباره ارتقای کیفی برخی لایه‌های پدافندی از مسیر همکاری‌های فناورانه خارجی از جمله با چین مطرح است، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند چرا که بهره‌برداری مؤثر از سامانه‌های پیشرفته، بیش از هر چیز به یکپارچگی فرماندهی و تکامل سازوکار تصمیم‌گیری است. از این منظر، تغییر فرماندهی آغاز فصل تازه‌ای در دکترین پدافند کشور محسوب می‌شود، فصلی که هدف آن، متوقف کردن جنگ در مرحله محاسبه دشمن است، پیش از آن که به میدان درگیری کشیده شود.

برخی جریانات سیاسی، تصمیمات اخیر خود را مبتنی بر برداشت شخصی از مواضع رهبری توجیه می‌کنند

تفسیر به رأی، به نام تبیین

عماد سلیمانی- برخی جریانات و چهره‌های سیاسی که رفتار و کنش‌هایشان در ماه‌های اخیر با توصیه‌های آشکار رهبری همخوانی نداشته، تلاش می‌کنند تصمیمات اخیر خود را مبتنی بر برداشت شخصی از مواضع رهبری توجیه کنند. نمونه‌های این ادبیات جدید کم نیست. از تعابیری نظیر این صحبت حمیدرسایی که گفته بود: «من ضبط صوت رهبری نیستم، بلکه تبیین کننده سخنان ایشان هستم»، گرفته تا این گزاره که کامران غضنفری نماینده مردم تهران در مجلس گفته بود: «چیزهایی هست که رهبری به زبان نمی‌آورند اما ما می‌دانیم خواست ایشان چیست»، همگی نشانه یک تغییر معنادار در شیوه نسبت‌سازی سیاسی با جایگاه رهبری است. تغییری که در ظاهر، خود را وفادارانه معرفی می‌کند اما در عمل، پرسش‌های جدی درباره مرز میان تبعیت، تبیین و تفسیر به رأی ایجاد می‌کند.

مسئله اصلی در این میان، نه اختلاف‌نظر سیاسی است و نه الزام جریان‌های مختلف به اجرای موبه‌موی توصیه‌هاست. جمهوری اسلامی، همواره میدان تنوع دیدگاه‌ها و اختلاف‌نظرهای درون گفتمانی بوده و هیچ‌گاه از سیاست‌ورزان نخواسته است که به نسخه‌ای واحد و مکانیکی عمل کنند. اما آنچه محل تأمل است، رفتار جریانی است که همواره خود را انقلابی‌تر و نزدیک‌تر به رهبری معرفی می‌کند، اما در بزنگاه‌های مهم، توصیه‌های علنی و شفاف را نادیده می‌گیرد و دور عوض، به استنباط‌های شخصی از سخنان ناگفته متوسل می‌شود. اگر توصیه‌ها روشن بوده‌اند، چرا در عمل خلاف آن‌ها رفتار شده است؟ اگر حمایت از دولت، پرهیز از دوقطبی‌سازی و باشتاب گرفتن تغییرات سیاسی و امنیتی در غرب آسیا، ایران و عربستان سعودی بیش از پیش به سمت تحکیم روابط دوجانبه و همگرایی راهبردی تمایل پیدا کرده‌اند. در همین چارچوب، سومین دور نشست مشترک معاونان وزرای خارجه ایران و عربستان سعودی با همراهی چین در تهران برگزار شد. نشستی که در مسیر کاهش تنش‌ها و بازسازی روابط پس از توافق پکن در مارس ۲۰۲۳ شکل گرفت و عزم راسخ طرفین برای تقویت گفت‌وگو و همکاری را به نمایش گذاشت.

چین فراتر از میانجی

به‌رغم تلاش‌های ایران و عربستان برای گسترش همکاری‌های دوجانبه، امانقش چین نیز به‌عنوان میانجی در این همکاری کلیدی است. توافق صلح پکن اکنون به ستون فقرات روابط دوجانبه بدل شده و پکن در جایگاه میانجی بی‌طرف نقش ضامن سیاسی را ایفا می‌کند. نشست تهران نشان داد که این نقش نه تنها تثبیت شده، بلکه در حال گسترش است. چین با اعلام ادامه حمایت از مناسبات تهران و ریاض، افق‌های تازه‌ای به دیپلماسی شرقی در منطقه گشوده و زمینه‌ای فراهم می‌آورد که می‌تواند جایگزینی برای چارچوب‌های سنتی غرب‌محور باشد. چین با نگاهی بلندمدت به تحولات منطقه غرب آسیا به خوبی آگاه است که بدون ثبات و همکاری میان بازیگران اصلی منطقه، تحقق اهداف اقتصادی و ژئوپلیتیکی‌اش با چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. از این رو، تقویت روابط ایران و عربستان برای پکن صرفاً یک موفقیت دیپلماتیک مقطعی نیست، بلکه بخشی از یک راهبرد کلان محسوب می‌شود. ابتکار «کمربند و جاده» به عنوان مهم‌ترین پروژه چین نیازمند مسیرهای امن، باثبات و قابل اتکاست و کشورهایی مانند ایران و عربستان نقش کلیدی در این مسیر ایفا می‌کنند.

حل پرونده‌های منطقه

ایران و عربستان به دلیل جایگاه و وزن بالا در معادلات سیاسی، امنیتی منطقه، این ظرفیت را دارند که همکاری‌های خود را از سطح روابط دوجانبه فراتر برده و به پرونده‌های پیچیده و مورد اختلاف منطقه‌ای نیز تسری دهند. بنابراین، در بخش امنیتی نشست تهران گفت‌وگوها بر مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، جلوگیری از تشدید اختلافات و ایجاد درک مشترک از تهدیدات متمرکز بود. تجربه سال‌های گذشته نشان داده که رقابت و تنش میان تهران و ریاض نه تنها به حل بحران‌های منطقه‌ای کمکی نکرده، بلکه در برخی موارد به تشدید بی‌ثباتی جلوگیری از التهاب اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته، چگونه می‌توان کنش‌هایی را که عملاً به تشدید شکاف‌ها و تضعیف سرمایه اجتماعی می‌انجامد، ذیل عنوان خواست رهبری بازتعریف کرد؟ در چنین وضعیتی، تبیین از جایگاه یک وظیفه روشنگرانه خارج و به سازوکاری بدل می‌شود که بار مسئولیت تصمیمات پرهزینه را از دوش کنشگران سیاسی برداشته و به سطحی بالاتر منتقل می‌کند.

تبیین، در معنای واقعی خود، مستلزم فهم دقیق سخن، التزام عملی و پذیرش هزینه‌های تصمیم است. اما وقتی تبیین به استنباط شخصی فروکاسته شود، دیگر نه روشنگری است و نه وفاداری به اصل آن پیام، بلکه نوعی تصاحب مرجعیت محسوب می‌شود. نسبت دادن تصمیمات پرهزینه، خطاهای محاسباتی یا رفتارهای جنجالی به صحبت‌های ناگفته رهبری، در واقع تلاشی برای سپر کردن جایگاه رهبری در برابر نقد سیاسی است. اقدامی که ناخواسته، همان جایگاه را در معرض هزینه‌های اجتماعی قرار می‌دهد. جریان مدعی انقلابی‌گری، بیش از دیگران موظف است نشان دهد چگونه می‌توان با عقلانیت، مسئولیت‌پذیری و درک واقعیت‌های میدان، برای رهبری بسط ید ایجاد کرد، نه آن که با حاشیه‌سازی و تندروی، عرصه تصمیم‌گیری را پرهزینه‌تر کند. بسط ید، محصول رفتار مسئولانه‌ای است که با درک شرایط، محاسبه هزینه‌ها و پرهیز از التهاب‌آفرینی، امکان تصمیم‌گیری مؤثرتر و کم‌هزینه‌تر را برای رهبری فراهم می‌کند. تجربه‌های تاریخی و معاصر نیز گواه همین واقعیت است. شخصیت‌هایی چون شهید قاسم سلیمانی و سیدحسن نصرا...، نه با ادعای فهم سخنان ناگفته رهبری، بلکه با دقت، انضباط سیاسی و التزام عملی به چارچوب‌های کلان، به چهره‌هایی تبدیل شدند که عملاً میدان عمل رهبری را گسترش دادند. آن‌ها مسئولیت تصمیمات خود را پذیرفتند و هرگز تلاش نکردند اشتباه یا هزینه‌ای را به نام رهبری ثبت کنند.

نشست مشترک اخیر ایران و عربستان سعودی با همراهی چین چه افقی را ترسیم می‌کند؟

عبور از تنش زدایی

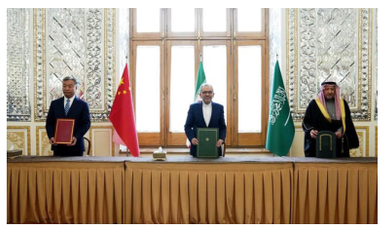

انجامیده است. از این رو، حرکت به سمت گفت‌وگو و همکاری می‌تواند نقطه عطفی در مدیریت بحران‌های مزمن منطقه باشد. یکی از مهم‌ترین پرونده‌هایی که طی یک دهه اخیر سایه سنگینی بر روابط ایران و عربستان انداخته، بحران یمن است. یمن اکنون به صحنه رقابت‌های منطقه‌ای و حتی بین‌المللی تبدیل شده و هزینه‌های انسانی، سیاسی و امنیتی گسترده‌ای برای همه بازیگران درگیر به همراه داشته است. بنابراین، در نشست سه‌جانبه، تهران و ریاض و پکن درباره پرونده یمن بر یک راه‌حل سیاسی جامع تحت نظارت سازمان ملل توافق نظر داشتند، موضعی که در بیانیه مشترک سه‌جانبه نیز صریحا آمده بود. از این رو، ایران و عربستان می‌توانند با درک منافع مشترک خود در ثبات منطقه، همکاری برای کاهش تنش‌ها، توقف درگیری‌ها و فراهم‌سازی بستر گفت‌وگوی یمنی- یمنی آغاز کنند. نشست سه‌جانبه تهران که همزمان با شروع دور جدیدی از تحرکات نظامی عربستان و امارات در مناطق اشغالی یمن برگزار شد، حامل این پیام است که ایران تمایل دارد راهکارهای سیاسی و دیپلماتیک برای حل بحران‌های منطقه‌ای ارائه دهد. در صورتی که طرف سعودی اراده سیاسی لازم را داشته باشد، نقاط اشتراک متعددی برای همکاری در این پرونده وجود دارد که می‌تواند به برقراری صلح و ثبات پایدار در یمن منجر شود. ایران و چین همواره در پی برقراری ثبات در یمن بوده‌اند، در حالی که عربستان، پیرو سیاست‌های آمریکا، مسیر جداگانه‌ای را دنبال می‌کند که به تشدید تنش‌ها در دریای سرخ انجامیده است. از این رو، ایران و چین می‌توانند سعودی‌ها را نسبت به پیامدهای بحران‌سازی و اشنگتن در یمن آگاه کرده و زمینه شکل‌گیری اتحاد سه‌جانبه‌ای برای پایان این بحران ۱۰ ساله را فراهم آورند. در سطحی گسترده‌تر، تشدید تهدیدات و اقدامات رژیم صهیونیستی در منطقه، ضرورت همکاری میان قدرت‌های بزرگ جهان اسلام را بیش از پیش برجسته کرده است. در همین رابطه، سه کشور در نشست تهران خواستار توقف فوری تجاوزات رژیم صهیونیستی به فلسطین، لبنان و سوریه شدند و اقدام به تجاوز و نقض حاکمیت و تمامیت سرزمینی ایران را محکوم کردند. ایران و عربستان به عنوان دو قدرت اثرگذار منطقه اگر با پشتیبانی چین پیوندهای سیاسی و حتی امنیتی خود را مستحکم سازند، می‌توانند سد محکمی در برابر ماجراجویی‌های تل‌آویو ایجاد کنند. چین که از اقدامات بی‌ثبات‌ساز رژیم صهیونیستی و پیامدهای آن بر امنیت منطقه و منافع اقتصادی‌اش به شدت نگران است، می‌کوشد در هماهنگی با شرکای ایرانی و سعودی از ظرفیت دیپلماسی چندجانبه برای مهار این تهدید بهره گیرد. تهران و ریاض نیز به خوبی می‌دانند که همگرایی در برابر اسرائیل، توان خنثی‌سازی توطئه‌های این رژیم را دوچندان می‌کند.

دیدگاه

صابر گل عنبری
info@khorasannews.com

حمله سیدنی و پیامدش!

معمولا پس از وقوع حوادثی امنیتی مانند حمله دو مهاجم مسلح به جشن حنوکای یهودی در سیدنی استرالیا باید دید چه پیامد یا پیامدهایی در پی خواهد داشت و چون این جا به نوعی اسرائیل هم در بحبوحه شرایط حساس کنونی منطقه طرف قضیه است، باید دید چه نوع بهره‌برداری از آن خواهد کرد. شکی در این نیست که نسل‌کشی در غزه در دو سال اخیر موجب عصبانیت و خشمی عمومی در جهان علیه اسرائیل شده است و همین خود بالقوه می‌تواند بستر و زمینه را برای ارتکاب چنین اعمالی فراهم کند؛ اما هنوز روشن نیست که آیا چنین حمله‌ای صرفا یک اقدام فردی خودجوش بوده است یا اتفاقی سازمان‌یافته و در صورت صحت فرضیه چه طرفی پشت آن قرار دارد. اما در لحظات اولیه وقوع حادثه و قبل از روشن شدن ابعاد آن و شروع تحقیقات در استرالیا، برخی منابع امنیتی اسرائیل، ایران را متهم به دست داشتن در آن کرده‌اند. این سرعت عمل اسرائیل صرف نظر از این که واقعا چه طرفی پشت قضیه است، منعکس کننده وجود نیت و تصمیمی برای بهره‌برداری امنیتی از واقعه است. چنین حملاتی هر چند ممکن است موجی از نگرانی در میان یهودیان در خارج اسرائیل ایجاد کند؛ اما در کل پیامدهای حمله سیدنی بستگی به نوع بهره‌برداری خاص اسرائیل از آن دارد. به احتمال زیاد، تل‌آویو در چند سطح بخواهد از آن بهره‌برداری کند؛ نخست تلاش برای احیای روایت «یهودستیزی» خود است که در نتیجه وقایع غزه در دو سال اخیر و همچنین استفاده بی‌حد و مرز از آن و تسری‌اش به هر گونه انتقاد از اسرائیل و صهیونیسم در دنیای غرب از حیّز انتفاع افتاده و به شدت تضعیف شده بود. دوم این که از آن برای حمله به دولت‌ها و احزاب و فعالان غربی به علت مواضع آن‌ها در انتقاد از جنگ غزه استفاده کند و با فرافکنی خاصی آن‌ها را مقصر جلوه دهد.

سوم این که از این حادثه در جهت اتحاد میان یهودیان در جهان در راستای حمایت از اسرائیل استفاده کند؛ به‌ویژه که در نتیجه جنگ غزه نوعی شکاف میان بخشی از آن‌ها و اسرائیل ایجاد شده بود. چهارمین بهره‌برداری و پیامد ممکن است امنیتی باشد و دولت نتانیاهو احتمالا بخواهد از آن برای تشدید فضای امنیتی با ایران و اقدامات احتمالی خود استفاده کند. در کل، فارغ از ماهیت حمله و این که واکنشی فردی به نسل‌کشی در غزه باشد یا خیر، اما با توجه به همین بهره‌برداری‌های خاص و مهارت اسرائیل در تبدیل کردن آن به یک فرصت و خوراک تبلیغاتی نه تنها آورده‌ای برای غزه و فلسطین ندارد، بلکه می‌تواند در جهت تضعیف روایت آن و تقویت روایت طرف مقابل به کار گرفته شود.

چهره

حمایت ۸۰ درصدی افکار عمومی چین در جریان جنگ ۱۲ روزه از ایران
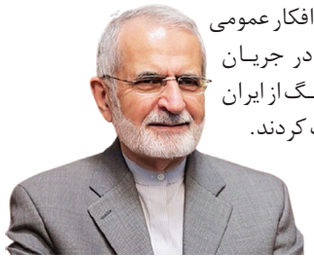
کمال خرازی رئیس شورای راهبردی روابط خارجی گفت: امیدواریم با تهیه یک برنامه اقدام جهت اجرای سند برنامه همکاری جامع و مواضع واقع‌بینانه‌ای که دولت چین در قبال تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران گرفته است، بتوان گام‌های عملی موثری را در جهت تقویت روابط دو کشور برداشت. اعضای هیئت چینی نیز در این جلسه با در میان گذاشتن برداشت‌هایی که از این سفر داشتند، از انسجام ملی و استقلال طلبی ایرانیان که به‌ویژه بعد از جنگ ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران بیش از پیش تجلی یافته است، ابراز شگفتی و تاکید کردند ایران نشان داد هم از نظر سیاسی و هم از نظر نظامی کشوری قوی است. اعضای هیئت چینی گفتند بیش از ۸۰ درصد افکار عمومی چین در جریان این جنگ از ایران حمایت کردند.